

خادمی همراه با برات آزادی

نرگس یوسفی راد، خادمی است که بیرون از حرم هم خدمت می‌کند

● زهرا زنگنه اذیر شد، پس و پیش شد، اما بالاخره شد. وقتی هفده یا هجده سال داشت به خادمی حرم فکر می‌کرد. اما ازدواج، آمدن بچه اول، بعد تر دومی، مشغله تحصیل و... هر بار او را از آنچه قلبش طلب می‌کرد باز می‌داشت. اما سال ۹۵ وقتی فراخوان جذب خادمان بانو در کفشداری رادید درنگ نکرد. با پدر و همسرش موضوع راد در میان گذاشت، کارهای اداری راراست و ریست کرد و بقیه را سپرد به امام مهربانی‌ها.

نرگس خانم تعریف می‌کند: «با خودم فکر می‌کردم چه بهتر از اینکه شروع خدمتم در کفشداری باشد و ادامه روراه پدرم باشم. با خودم فکر می‌کردم اگر تا حالا نشده، اشکالی ندارد. حالا دارم خدمت کفشداری قسمت می‌شود.»

آن صبح زیبا برای نرگس یوسفی راد رسیده بود و او جزو اولین گروه بانوان خدمه کفشداری شد. او می‌گوید: «شدم خادم اولین کشیک، اولین روز حضور بانوان در کفشداری. حال خوبی داشتم. اولین کفشداری که تحویل خدمه بانو شد. کفشداری شماره یک در صحن انقلاب بود که الان کفشداری شماره ۵ شده است. خادمان آقا، معرفی ای از کار داشتند و یکی یکی از کفشداری خارج می‌شدند و بانوان هم به نوبت وارد می‌شدند.»

هدیه به روح پدرم

از آن روز که حضرت رضا (ع) نرگس خانم راد ۳۸ سالگی به خادمی پذیرفت، سال‌های گذرد. او هشت سال است که باروی خوش به زائران سلام می‌گوید. کفش‌شان را می‌گیرد، جفت می‌کند و داخل قفسه می‌گذارد. خانم یوسفی راد تعریف می‌کند: «روزهایی که کشیک بودم پدرم خودش را به حرم می‌رساند، تمام کفشداری‌ها را می‌رفت تا من را پیدا کند. به همه همکاران خدا قوت می‌گفت و با تبرکی که همیشه همراهش بود کام خادمان را شیرین می‌کرد. حیف که این دیدارهای یک سال بیشتر ادامه نداشت و او سال ۱۳۹۶ از میان ما رفت. من هم از حضرت خواسته‌ام اگر روزی لایق بودم که خدمتم پذیرفته شود، ثواب آن به روح پدرم برسد.»

مزد حال خوب

وقتی قرار است بانوی کارشناس هیئات مشهدی از فعالیت اجتماعی‌اش برای ما بگوید، ناگزیر باید سفر کند به گذشته. به اینکه چگونه ذهنش همیشه پی کار دیگران است و مشکلات آدم‌های این شهر را مشکل خودش می‌داند. او تعریف می‌کند: «در دوره دبیرستان متوجه این بودم که دانش آموزانی در نقاط دور افتاده شهر دچار مشکلات مالی هستند. به همین خاطر با دوستانم و با کمک مدرسه و اولیا، بسته‌هایی شامل لوازم تحریر و خوراکی تهیه می‌کردیم و به این مدارس می‌بردیم. برای آن‌ها برنامه‌های شاد برگزار می‌کردیم و به این بهانه با برگزاری مسابقه، بسته‌ها را بینشان توزیع می‌کردیم.»

این روحیه انسان دوستی و تجربه حال خوب اکرام، در وجود نرگس یوسفی راد از همان زمان شکل گرفت و او در ادامه و پس از ازدواج هم هر جا پا گذاشت، گعده‌ای از دوست و فامیل را دور هم جمع کرد تا بساط کار خیر و گره‌گشایی از مشکلات دیگران را برپا کند. آنجا که کسی لنگ‌نان شب شد برایش بسته آذوقه تدارک دیدند و آنجا که پدری را شناختند که جیبش خالی است، ریال‌ها را مهمان جیبش کردند. اصلاحاً شاید همین مزد خوب کردن حال دیگران است که نرگس امروز خادمی حرم قسمتش شده و حالش این طور خوب است.